جنایتکار سوئدی چطور همسر ایرانی‌اش را کشت؟

جلال مهرگان

مردی سوئدی که متهم است پس از قتل همسر ایرانی‌اش، جسد او در قالی ایرانی پیچیده و آن را در قعر دریا پنهان کرده‌بود، محاکمه و به حبس ابد محکوم شد. جنایت علیه این زن ایرانی در حالی رقم خورده که رسانه‌های مدعی دفاع از حقوق زنان به دلیل غربی‌بودن عامل جنایت در این‌باره سکوت کرده‌اند.

فروردین‌ماه سال گذشته خانواده زنی ایرانی به نام سمیه به پلیس استکهلم سوئد خبر دادند دختر ۴۰ ساله‌شان گم شده‌است. یکی از اعضای خانواده‌اش گفت دخترمان سمیه که او را «ساشا» صدا می‌کردیم، از چند سال قبل در استکهلم زندگی می‌کند. او در این مدت با مردی سوئدی به نام «اریک وانهاتالو» که پنج سال از او بزرگ‌تر بود، آشنا شد و با هم ازدواج کردند. آنها صاحب یک پسر خردسال بودند و آن‌طور که متوجه شده‌بودیم با هم اختلاف داشتند. بعد از آخرین تماسی که با دخترمان داشتیم، دیگر او به تماس‌هایمان جواب نمی‌دهد و شوهرش هم در این‌باره چیزی نمی‌گوید که درخواست کمک داریم.

با مطرح‌شدن شکایت، بررسی‌های پلیس استکهلم در این‌باره به جریان افتاد. بررسی‌های پلیس نشان داد که سمیه و اریک از سال‌ها قبل با هم اختلاف داشتند و سمیه از سال ۲۰۱۷ گزارش‌هایی درباره خشونت‌های شوهرش در مورد اقدام به قتل را به پلیس اعلام کرده‌بود، اما هر بار بعد از بازداشت اریک، سمیه از او اعلام گذشت کرده و به ادامه زندگی با او رضایت داده‌بود؛ از جمله این حوادث در یکی از شب‌های سال ۲۰۱۷ اتفاق افتاد. وقتی مأموران پلیس با تماس سمیه در خانه‌اش حاضر شدند، او به مأموران گفت که شوهرش اریک به او حمله کرده و قصد خفه‌کردن او را داشته‌است. گزارش پلیس در این‌باره با تحقیق از سمیه انجام و تأیید شد که مرد سوئدی پس از حمله به همسرش قصد داشته وی را به قتل برساند. زمانی که از اریک در این‌باره تحقیق شد، گفت وقتی با سمیه مشاجره کردم به شدت عصبانی شدم و به او حمله کردم و با دست‌هایم گلویش را فشار دادم.

بعد از به دست آمدن این اطلاعات و از آنجا که تحقیقات پلیس استکهلم برای پیدا کردن سمیه ناکام مانده‌بود، شوهرش اریک بازداشت شد. او در جریان بازجویی‌ها مدعی شد که از همسرش سمیه خبر ندارد، اما پس از هفت ماه قفل سکوت را شکست و مهرماه سال گذشته بود که به قتل اعتراف کرد. او در شرح جنایت گفت: بعد از مشاجره با سمیه او را کتک زدم و بعد دست انداختم در گلویش و او را خفه کردم. در آن مدت پسر کوچکمان هم در خانه و شاهد ماجرا بود. وقتی دیدم که نفس نمی‌کشد، تصمیم گرفتم جسدش را از خانه خارج کنم. جسد را داخل قالی ایرانی که پدرش به ما هدیه داده‌بود، پیچیدم. بعد آن را به داخل خودروام منتقل کردم. سپس در حالی که بچه‌ام هم سوار خودرو کرده‌بودم پشت فرمان نشستم و به سمت خلیج سالتویکن رانندگی کردم. در محلی که از قبل در نظر گرفته‌بودم، جسد را به قعر آب فرستادم و به خانه برگشتم. صبح روز بعد هم به پلیس خبر دادم که همسرم از خانه بیرون رفته و دیگر برنگشته است.

بعد از اعتراف متهم بود که مأموران پلیس در محل حاضر شدند و جسد را از قعر ۲۳ متری آب خارج کردند. گزارش پزشکی قانونی در این‌باره نشان داد که سمیه با فشار بر عناصر حیاتی گردن به کام مرگ رفته‌است.

با کامل شدن بررسی‌ها، پرونده به دادگاه منطقه سولنا استکهلم فرستاده شد و متهم پای میز محاکمه ایستاد. او اتهام قتل عمد را انکار کرد و گفت که ناخواسته مرتکب قتل شده‌است. او از دادگاه خواست به خاطر اینکه به قتل اعتراف کرده و جای جسد را نشان داده در مجازاتش تخفیف دهد، چراکه در صورت عدم اعتراف، جسد هرگز کشف نمی‌شد، اما دادگاه دفاعیات متهم را نپذیرفت و او را به اتهام قتل عمد و نقض قوانین حمایت کودکان حبس ابد محکوم کرد. محکومیت متهم در حالی صورت گرفته‌است که رسانه‌های مدعی دفاع از حقوق زنان که مستقر در کشورهای غرب هستند، درباره بروز خشونتی چنین آشکار علیه زن ایرانی واکنش نشان نداده‌اند و ترجیح‌شان این بوده‌است که مقابل جنایتی که علیه زنی ایرانی توسط یک تبعه غربی صورت گرفته است، سکوت کنند.

قتل بر سر ۲۰۰ هزار تومان

معتاد کارتن‌خواب که در یکی از پاتوق‌های تهران بر سر ۲۰۰ هزار تومان مرتکب قتل شده، بازداشت شد.

به گزارش جوان، سرهنگ کارآگاه علی ولیپورگودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت گفت: عصر روز پنج‌شنبه دهم فروردین‌ماه مأموران پلیس تهران از حادثه درگیری در جنوب شهر باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌های پلیس نشان داد مرد ۲۸ ساله کارتن‌خوابی با اصابت ضربه چاقو به کمرش به کام مرگ رفته است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، شاهدان به پلیس گفتند عامل قتل یکی از دوستان مرد کارتن‌خواب است که بعد از حادثه از محل متواری شده است. در شاخه دیگری از تحقیقات، مأموران پلیس با اطلاعاتی که شاهدان در اختیارشان گذاشتند موفق شدند یک روز بعد از حادثه متهم را شناسایی و بازداشت کنند. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: روز حادثه با دوستم در پاتوق در حال مصرف شیشه بودیم. در جریان مصرف مواد بود که او ۲۰۰ هزار تومان از جیب من سرقت کرد. وقتی خواستم پولم را پس بدهد او قصد فرار داشت که دست به چاقو شدم و ضربه‌ای به کمرش زدم که ناگهان روی زمین افتاد. من هم از ترس فرار کردم.

ادعای تازه در پرونده خانه وحشت

عامل جنایت خانه وحشت که به اتهام قتل یک دختر و تجاوز به عنف به اعدام محکوم شده از بازپرس مهلت خواست حقایقی تازه از جنایت خود را مطرح کند.

به گزارش جوان، شامگاه دوشنبه ۱۵ آذر سال ۱۴۰۰ وقتی مأموران پلیس تهران برای دستگیری سارقی پا در خانه قدیمی در نزدیکی میدان قزوین گذاشتند، اصرار خانه وحشت را فاش کردند.

مأموران در آن خانه به جای سارق، دو دختر دست و پا بسته و جسد متعفن و نایلون پیچ شده دختر جوانی را کشف کردند که به قتل رسیده بود. بررسی‌ها نشان داد پسر جوانی به نام سعید همراه خواهرش آن خانه را که زندان دختران فراری بود، اداره می‌کنند. در ادامه مشخص شد چند زن و دختر جوان هم از دام خواهر و برادر گریخته‌اند. متهم پس از دستگیری با تناقض گویی جرم خود را انکار کرد، اما در حالی که پرونده‌اش هنوز در دادسرای امور جنایی تهران باز است در دادگاه به جرم تجاوز به اعدام محکوم شد. چند روز قبل قاضی محمد وهابی، بازپرس شعبه دوم دادسرای امور جنایی وقتی برای بررسی پرونده‌ای به زندان رجایی‌شهر رفت سعید ادعای جدیدی مطرح کرد و گفت قرار است درباره حادثه‌های خانه وحشت حرف تازه‌ای بزند و واقعیت را بگوید. بدین ترتیب متهم به زودی از زندان برای بازجویی به دادسرا منتقل می‌شود.

سرقت برای رسیدن به دروازه‌بانی تیم ملی

آرمین بینا

پسر جوانی که با همدستی سه نفر از دوستانش دست به سرقت‌های سریالی از منازل می‌زد، پس از دستگیری مدعی شد که فوتبالیست حرفه‌ای است و برای رسیدن به دروازه‌بانی تیم ملی دست به سرقت می‌زده‌است.

اوایل بهمن ماه سال گذشته مردی در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و از سارق یا سارقانی به اتهام سرقت میلیاردی از خانه‌اش شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: «خانه‌ام در یکی از خیابان‌های شمالی تهران است. چند روز قبل همراه خانواده‌ام به مسافرت رفتیم و امروز وقتی به خانه برگشتیم، دیدیم قفل در خانه تخریب‌شده و تمامی وسایل خانه هم به هم ریخته‌است. همان ابتدا متوجه شدیم سارقانی به خانه‌مان دستبرد زده‌اند و به همین دلیل به سراغ محل نگهداری طلاها و اموال قیمتی‌مان رفتم. متأسفانه دیدیم تمامی طلاها که بیش از ۱/۵ میلیارد تومان ارزش داشت سرقت شده‌است.»

سرقت‌های سریالی با دیلم

با طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی مصطفی تقی‌زاده، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران در بررسی‌های محل حادثه دریافتند سارقان باند حرفه‌ای هستند که با دیلم در خانه را تخریب و در کمتر از نیم ساعت اموال قیمتی صاحب خانه را سرقت کرده و از محل گریخته‌اند. همزمان با ادامه تحقیقات مأموران با شکایت‌های زیادی روبه‌رو شدند که در بررسی‌ها مشخص شد همان باند سارقان حرفه‌ای به خانه‌های دیگری که صاحبانش یا در مسافرت یا در مهمانی بوده‌اند، دستبرد زده و پس از تخریب در ورودی با دیلم طلاها، جواهرات، پول و لوازم گرانقیمت را سرقت کرده‌اند. در بعضی سرقت‌ها هم معلوم شد زمانی که صاحبان خانه‌ها به صورت اتفاقی با سارقان روبه‌رو شده‌اند، سارقان با چاقو آنها را زخمی کرده و از محل گریخته‌اند.

خودروهای اجاره‌ای

بررسی‌های دوربین‌های مداربسته محل‌های حادثه نشان داد سارقان بیشتر سرقت‌های خود را با دو خودروی پژو و سمند انجام داده‌اند. بدین ترتیب شماره پلاک خودروهای متهمان در اختیار گشت‌های پلیس قرار گرفت تا اینکه چند روز قبل مأموران در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران خودروی پژوی سارقان را مشاهده و توقیف کردند. راننده خودرو پس از انتقال به اداره پلیس گفت که خودرواش را از طریق شرکت خودروهای اجاره‌ای مدتی است به افرادی اجاره می‌دهد و خبر ندارد که آن افراد با خودرواش به سرقت رفته‌اند.

مأموران در بررسی‌های بعدی و استعلام از شرکت مورد نظر متوجه شدند صاحب خودرو واقعیت را گفته‌است و در جریان سرقت‌های سریالی از خانه‌ها با خودرواش نبوده‌است. همچنین مشخص شد دو مرد جوان مدتی است به آن شرکت مراجعه می‌کنند و خودرو پژو و چند خودرو دیگر را برای چند روز اجاره می‌کنند و دوباره به صاحبانشان بر می‌گردانند.

سارقان سابقه‌دار

با به دست آمدن تصویر دو مرد جوان از دوربین‌های مداربسته محل اجاره خودروها مأموران آلبوم مجرمان سابقه‌دار را بررسی کردند و مشخص شد دو متهم به نام‌های کیومرث و بهمن سارقان سابقه‌داری هستند که چندین بار به اتهام سرقت‌های مختلف به زندان افتاده و یک سال قبل از زندان آزاد شده‌اند.

مأموران دو متهم را تحت تعقیب قرار دادند و چند روز قبل موفق شدند آنها را در پاتوقشان شناسایی و دستگیر کنند. دو متهم در بازجویی‌ها ابتدا منکر جرم خود شدند، اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شدند به سرقت‌های سریالی با همدستی دو نفر از دوستانشان به نام‌های شهرام (سرکرده باند) و پیمان اعتراف کردند.

سپس مأموران شهرام و پیمان را هم شناسایی و دستگیر کردند. متهمان پس از اعتراف به سرقت‌های سریالی و معرفی یک مالخر برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

گفت‌وگو با سرکرده باند

پسر ۲۵ ساله‌ای است که به گفته خودش فوتبال را حرفه‌ای بازی می‌کرده و آرزو داشته دروازه‌بان تیم ملی فوتبال ایران شود. برای رسیدن به دروازه‌بانی تیم ملی دست به سرقت‌های سریالی زده تا با پرداخت چند میلیارد تومان به دلال فوتبالی نامش در لیست دروازه‌بانان درجه یک قرار بگیرد. الان که دستگیر شده متوجه شده دوست صمیمی‌اش او را فریب داده‌است.

شهرام چه شد که از فوتبال حرفه‌ای به سرقت رو آوردی؟

من از دوران کودکی عاشق فوتبال بودم و آرزو داشتم روزی دروازه‌بان تیم‌های لیگ برتری و بعد هم تیم ملی شوم. به همین دلیل از کودکی ورزش می‌کردم و بعد هم که بزرگ‌تر شدم در فوتبال حرفه‌ای شدم. حتی در چند تیم مطرح بازی کردم، اما پدرم از همان ابتدا مخالف ورزش بود و می‌گفت ورزش مرا از درس و زندگی عقب می‌اندازد. آنقدر مخالفت کرد که ورزش را کنار گذاشتم و بعد هم در دام دوستان ناباب گرفتار شدم.

چرا دنبال کارهای دیگر نرفتی؟

وقتی ورزش را کنار گذاشتم بیشتر در کوچه و خیابان پرسه می‌زدم و کم‌کم هم در محلمان با افراد خلافکار آشنا شدم. آنها برای من دام پهن کردند و وقتی متوجه شدم، دیدم آلوده به سرقت و جیب‌بری شده‌ام. مدتی بعد هم خودم یک پا سارق حرفه‌ای شدم.

آخرین بار کی از زندان آزاد شدی؟

من چند باری به اتهام سرقت و جیب‌بری دستگیر شدم و آخرین بار هم یک سال حبس کشیدم و حدود چند ماه قبل هم آزاد شدم.

قبلاً باندی سرقت می‌کردید؟

نه معمولاً دو نفره جیب‌بری یا سرقت کیف و موبایل انجام می‌دادیم.

چه شد که پس از آزادی این‌بار تصمیم گرفتی باند سرقت از منازل را تشکیل دادی؟

تشکیل باند سرقت از منازل هم به خاطر بازگشتم به فوتبال بود، اما بعد متوجه شدم فریب خورده‌ام.

چطوری می‌خواستی با سرقت از منازل به صحنه فوتبال برگردی؟

بار آخر که به زندان افتادم با پیمان هم‌سلولی بودم و در زندان با او آشنا شدم. ما همه سرگذشت زندگی‌مان را برای هم تعریف می‌کردیم و او خبر داشت که من فوتبال حرفه‌ای بازی می‌کنم و علاقه زیادی دارم دروازه‌بان تیم ملی شوم. او گفت دلال فوتبالی را می‌شناسد که می‌تواند از طریق او پای مرا دوباره به فوتبال باز کند و مرا عضو تیم‌های لیگ برتری کند. قرار شد وقتی از زندان آزاد شوم، مرا به او معرفی کند. پیمان از من زودتر آزاد شد و وقتی من آزاد شدم به سراغش رفتم تا به قولش عمل کند. او مرا پیش مرد میانسالی برد که ادعا می‌کرد دلال فوتبال است و وقتی جریان زندگی و حرفه‌ای بودن فوتبالم را برای او توضیح دادم و درخواست کردم به من کمک کند، گفت باید ۵ میلیارد تومان به او بدهم تا مرا عضو یکی از باشگاه‌های لیگ برتری تهران و بعد هم عضو تیم ملی کند. من پولی نداشتم و دوستم پیشنهاد داد با هم به سرقت برویم و پول دلال را فراهم کنیم و این شد که من باند سرقت از منازل را تشکیل دادم.

بعد چه شد؟

وقتی دوستم پیشنهاد داد طلا و جواهر از خانه سرقت کنیم، به خاطر عشقی که به فوتبال داشتم، قبول کردم. قرار شد پس از سرقت من سهمم را به پیمان بدهم تا او پس از فروش طلاهای سرقتی سهم مرا را به دلال بدهد. من شب و روز نقشه می‌کشیدم و همراه دوستانم سرقت می‌کردم و سهمم را به پیمان می‌دادم به امید اینکه روزی دروازه‌بان تیم‌های لیگ برتری و تیم ملی شوم، اما الان که دستگیر شده‌ام، تازه متوجه شدم پیمان مرا فریب داده و اصلاً آن مردی را که به عنوان دلال فوتبال به من معرفی کرده سارق بوده و با این ترفند سهم مرا از سرقت‌ها بالا کشیده‌است.

موضوع خودروهای کرایه‌ای چه بود؟

به خاطر اینکه شناسایی نشویم، در سرقت‌ها از خودرو کرایه‌ای استفاده می‌کردیم.

یادداشت

پایان باز آخرین سناریوی پوراحمد

حسین فصیحی

خودکشی کیومرث پوراحمد، هنرمند فقید کشورمان تأثر عمومی را به همراه داشت. انتشار خبر حادثه و فراگیری واکنش‌ها به آن هم به دلیل جایگاهی بود که این هنرمند نزد جامعه داشت. افراد، چه گمنام و چه شهیر این امکان را پیدا می‌کنند که وقتی در تنگناهای زندگی قرار گیرند، دست به این رفتار پرخطر بزنند و از آنجا که توان این را ندارند در وضعیت بحرانی زندگی‌شان مقابل رویدادی که آنها را تهدید می‌کند از خود مراقبت کنند، این‌گونه به خود آسیب می‌رسانند. براساس پرونده‌هایی که در این‌باره تشکیل می‌شود، عمده افرادی که دست به این رفتار پرخطر می‌زنند، زمینه‌هایی از انزوای فردی یا اجتماعی به دلیل فشارهای ناشی از عواملی که آنها را در معرض خطر قرار داده، دارند و در صورتی که اطرافیانشان در این باره از خدمات مشاوره یا پزشکی استفاده نکنند، این احتمال وجود دارد که فرد اینگونه به خود آسیب برساند. عمده این افراد قبلاً از عملی کردن نیت خود در این باره حرف می‌زنند و در موارد بسیاری هم آن را به صورت تهدید اعلام می‌کنند و گاهی هم تا یک قدمی اجرای آن می‌روند. اینکه در مورد این هنرمند فقید، این موضوعات مطرح بوده یا خیر هم نیازمند تحقیق در این باره است. پاسخ پرسش‌های بسیاری هم که در مورد اقدام این هنرمند مطرح است از جمله چرایی این عمل و محتویات نامه‌ای که از وی بجای مانده، نیازمند نزدیک شدن به حریم شخصی و خانوادگی این هنرمند است که در صورت ضرورت و اعلام‌نظر از سوی خانواده‌اش، بازپرس در این باره تحقیق خواهد کرد. از آنجا که خانواده این هنرمند سوگوار از دست دادن وی هستند، نزدیک شدن به حریم شخصی و خانوادگی آنها و هر خانواده‌ای که در چنین وضعیتی قرار دارد به دور از انصاف است، چراکه آنها، علاوه بر رنج از دست دادن عزیز خود، مصائب ناشی از موضوعات خانوادگی و شخصی‌شان هم منتشر خواهد شد. انتشار تصویری از صحنه خودکشی این هنرمند هم به دور از انصاف صورت گرفته است. با این حال انتشار این تصویر پرسش‌های بیشتری از آن چه در ابتدا مطرح بود در فضای عمومی مطرح کرده است. از جمله اینکه آثار جراحت روی دست‌های وی چگونه ایجاد شده است؟ همچنین قرار گرفتن یک پای وی روی شوفاژ چگونه مانع از اقدام خودکشی برای نجات نشده است؟

هرچند اظهارنظر کارشناسی در این باره به عهده کارشناسان پلیس است؛ در مورد خودکشی‌هایی که به این شیوه صورت می‌گیرد، این موضوع مطرح است که همزمان با آویزان شدن فرد از حلقه دار، نخاع گردن شکسته شده و سلب حیات از فرد صورت می‌گیرد و تلاش‌های صورت گرفته بعدی فرد منجر به نجات وی نخواهد شد.

در برخی پرونده‌های تشکیل شده در دادگاه جنایی، شاهد بوده‌ام انگیزه‌هایی که افراد برای دست زدن به چنین عملی داشتند تا آنجا پیش رفته که فرد خود را از دستگیره در هم حلق آویز کرده و این‌گونه به زندگی خود پایان داده است.

انتشار خبرهای خودکشی از سوی رسانه‌ها در همه جای دنیا همواره با احتیاط بسیاری صورت می‌گیرد، چراکه افراد در معرض خطر با خواندن جزئیاتی که منجر به وقوع این حادثه شده، این امکان را پیدا می‌کنند که بخواهند دست به رفتاری مشابه بزنند. جزئیات بیشتر این ماجرا در حال حاضر در حال بررسی است. این پرونده در صورتی که در حوزه جرائم جنایی تشکیل شده بود همه انگیزه‌هایی که منجر به بروز عمل مجرمانه می‌شد به راحتی از سوی پلیس بررسی و اعلام می‌شد، اما خالق قصه‌های مجید آخرین سناریوی زندگی خود را به تنهایی نوشته و آن را کارگردانی کرده که به احترام وی بهتر است برای خانواده‌اش محفوظ بماند.

پیامک خودکشی از پارک جمشیدیه

پسری جوان در پارک جمشیدیه تهران با ارسال پیامک به مادرش از قصد خود برای خودکشی خبر داد و سپس خود را از بلندی به پایین انداخت.

ساعت ۱۶ روز پنج‌شنبه ۱۷ فروردین ماه، مأموران پلیس از کشف جسد پسری جوان در پارک جمشیدیه با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد پسر جوان پس از سقوط از ارتفاع جانش را از دست داده‌است. با حضور قاضی محمد وهابی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی و تیم بررسی صحنه جرم مشخص شد که حادثه خودکشی بوده‌است که جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. تحقیقات بعدی هم نشان داد، مرد جوان شب قبل از حادثه به مادرش پیامک داده که قصد خودکشی دارد و از همان موقع، دیگر خبری از او نبوده تا اینکه جسدش کشف می‌شود. بررسی‌های بیشتر در جریان است.

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۶

مفقودی
برگ سبز خودرو فولکس گل مدل ۱۳۸۴ به رنگ سفید روغنی و شماره پلاک ایران ۹۹ - ۵۱۵س ۴۳ و شماره موتور UDH۳۵۷۵۱۵ و شماره شاسی IR۸۴۵۲۱۰۰۳۳۴۹ متعلق به محمدحسین مرادپور آرانی با کد ملی ۰۰۸۲۳۰۰۲۳۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

مفقودی
اینجانب علی حسنی مالک خودرو هاچ‌بک هایما به شماره شاسی NAAD۳۹۱ZXKY۷۲۸۴۵۷ و شماره موتور ۴۸۴QT۹۵۰۰۰۳۳۰A به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. البرز

مفقودی
برگ سبز و کارت خودرو ساینا S مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید و شماره موتور M۱۵/۹۷۶۵۳۲۴ و شماره شاسی NAS۸۵۱۱۰۰N۵۷۵۳۷۳۰ و شماره پلاک ایران ۶۸ - ۸۵د۷۳۸ متعلق به فاطمه محمدی با کد ملی ۴۸۹۰۳۹۴۶۰۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف
برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۹۶۷۹ و ۱۴۰۱۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۹۶۷۸ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه‌های ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۲۸۸ و ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۲۸۷ تقاضای ۱- آقای یاسر محمدنژاد به شماره شناسنامه ۵ و کد ملی ۲۱۲۲۵۲۶۸۱۵ صادره از گرگان فرزند علیرضا در ۳۳۹ سهم مشاع از ۶۷۸ سهم از ۷۳۲ سهم شش‌دانگ یک قطعه باغ که مابقی عرصه آن وقف است ۲- آقای محسن محمدنژاد به شماره شناسنامه ۱۷۵ و کد ملی ۲۱۲۲۹۲۸۲۷۱ صادره از گرگان فرزند علیرضا در ۳۳۹ سهم مشاع از ۶۷۸ سهم مشاع از ۷۳۲ سهم شش‌دانگ یک قطعه باغ که مابقی عرصه آن وقف است به مساحت کل عرصه ۹۰۶۸ مترمربع از پلاک شماره ۲۶-اصلی واقع در اراضی شموشک سفلی بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رأی صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۲/۴
م الف: ۱۵۱۵۸ مهدی شاه‌مهری - سرپرست اداره ثبت و املاک منطقه یک گرگان

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف
برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۹۶۷۴ و ۱۴۰۱۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۹۶۷۶ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه‌های ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۲۸۵ و ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۲۸۶ تقاضای ۱- آقای یاسر محمدنژاد به شماره شناسنامه ۵ و کد ملی ۲۱۲۲۵۲۶۸۱۵ صادره از گرگان فرزند علیرضا در ۳۳۹ سهم مشاع از ۶۷۸ سهم از ۷۳۲ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی که مابقی عرصه آن وقف است ۲- آقای محسن محمدنژاد به شماره شناسنامه ۱۷۵ و کد ملی ۲۱۲۲۹۲۸۲۷۱ صادره از گرگان فرزند علیرضا در ۳۳۹ سهم مشاع از ۶۷۸ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی که مابقی عرصه آن وقف است به مساحت ۵۳۳۲ مترمربع از پلاک شماره ۲۶-اصلی واقع در اراضی شموشک سفلی بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رأی صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۲/۴
م الف: ۱۵۱۶۰ مهدی شاه‌مهری - سرپرست اداره ثبت و املاک منطقه یک گرگان